



Spatial Zoning of Deprivation Coefficient (Urban-Rural) in The Provinces of the Country

Saeid Nasire Zare ^{1*} and Vahid Riahi ²

¹ PhD student, Department of Geography and Rural Planning, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

² Associate Professor, Department of Geography and Rural Planning, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

* Corresponding author, Email: std_nasire_saeid@khu.ac.ir

Receive Date: 18 April 2019

Accept Date: 20 May 2021

ABSTRACT

Introduction: Intra-regional and inter-regional inequality in many countries is a major challenge in the path of development. This inequality is one of the obvious manifestations of the third world countries and is caused by the economic, social and political conditions of these countries. Therefore, explaining these inequalities and trying to resolve these inequalities is one of the main goals of economic and social development programs, which despite the implementation of several development programs in our country, still many regions do not have the same development pattern.

Objectives: Considering the necessity of planning and policy making for the development of regions, which requires a comprehensive understanding of the pattern of development and deprivation of regions, this research examines the extent of deprivation in the regions of the country and the distribution of the residential population of its rural and urban areas.

Methodology: This research is among applied studies and of a descriptive-analytical nature and its information was collected in the form of documents. 18 indicators were used to measure social deprivation, 20 indicators for economic deprivation, and 11 indicators for environmental deprivation. The information of the indicators was collected in the form of documents and by the method of fuzzy normalization, normalization, and for the purpose of more appropriate analysis, the information of each of the indicators was weighted in Spss by the McGranahan method, and by taking into account their weight, the score of each index was calculated in Excel, and by summing the score of each index, the degree of deprivation Areas were obtained.

Geographical Context: The scope of the research, on the one hand, includes all the provinces of the country based on the latest political divisions of the country in 2017, and on the other hand, for a more appropriate analysis of the provinces of the country based on geographical continuity and spatial and spatial links to 5 regions, North, West and Northwest, Middle and Central, South And the southwest, east and southeast were divided.

Result and Discussion: The results of the research showed that rural settlements have more deprivation than urban settlements in terms of social and economic deprivation, and these settlements have less deprivation than urban settlements only in terms of environmental deprivation. Also, in terms of the combined index of deprivation, the cluster analysis method was used. The provinces of the country were classified into three groups of low, medium and high deprivation in terms of deprivation, and according to this analysis, the provinces with a low level of deprivation were mostly concentrated in the middle and central regions of the country, and these regions include the largest urban population of the country, and in contrast to the regions The average level of deprivation was more in the eastern and western regions of the country and these provinces have the largest rural population in the country.

Conclusion: The level of deprivation in rural areas is higher compared to urban areas, and despite planning to reduce this level in construction and development programs in our country, this issue has not been successful.

KEYWORDS: Spatial inequality, Deprivation, Urban Areas, Rural Areas

پهنه‌بندی فضایی ضریب محرومیت (شهری - روستایی) در استان‌های کشور

سعید نصیری زارع^{۱*} و وحید ریاحی^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول، Email: std_nasire_saeid@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۹ فروردین ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: نابرابری درون ناحیه‌ای و بین ناحیه‌ای در بسیاری از کشورها چالشی اساسی در مسیر توسعه می‌باشد. این نابرابری یکی از مظاهر بارز کشورهای جهان سوم بوده و ناشی از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این کشورها می‌باشد. بنابراین تبیین این نابرابری‌ها و تلاش برای رفع این نابرابری‌ها یکی از اهداف اصلی برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی بوده که به رغم اجرای چندین برنامه توسعه در کشورمان، همچنان بسیاری از مناطق، الگوی توسعه یکسانی ندارند.

هدف: با توجه به ضرورت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای توسعه مناطق که نیازمند شناخت همه جانبه از الگوی توسعه و محرومیت مناطق دارد، این تحقیق به بررسی میزان محرومیت در مناطق کشور و توزیع جمعیت سکونتگاهی مناطق روستایی و شهری آن می‌پردازد.

روش‌شناسی: این تحقیق در زمره مطالعات کاربردی و از نوع ماهیت توصیفی-تحلیلی و اطلاعات آن به صورت اسنادی جمع‌آوری شد. برای سنجش محرومیت اجتماعی ۱۸ شاخص، محرومیت اقتصادی ۲۰ شاخص و برای محرومیت محیطی از ۱۱ شاخص استفاده شد. اطلاعات شاخص‌ها به صورت اسنادی جمع‌آوری و به روش بهنجارسازی فازی، نرمال‌سازی و به منظور تحلیل مناسب‌تر، اطلاعات هر یک از شاخص‌ها در SPSS به روش مک‌گراناهان وزن‌دهی شدند و با احتساب وزن آن‌ها امتیاز هر شاخص در Excel محاسبه و با جمع امتیاز هر شاخص میزان محرومیت مناطق به دست آمد.

قلمرو جغرافیایی: قلمرو پژوهش از یک سو شامل تمام استان‌های کشور براساس آخرین تقسیمات سیاسی کشور در سال ۱۳۹۵ و در سوی دیگر برای تحلیل مناسب‌تر استان‌های کشور براساس پیوستگی جغرافیایی و پیوندهای فضایی و مکانی به ۵ منطقه، شمال، غرب و شمال غرب، میانی و مرکزی، جنوب و جنوب غربی و شرق و جنوب شرقی تقسیم شدند.

یافته‌ها: نتایج تحقیق نشان داد، سکونتگاه‌های روستایی به لحاظ محرومیت اجتماعی و اقتصادی محرومیت بیشتری نسبت به سکونتگاه‌های شهری داشته‌اند و این سکونتگاه‌ها تنها به لحاظ محرومیت محیطی، نسبت به سکونتگاه‌های شهری محرومیت کمتری دارند. همچنین به لحاظ شاخص ترکیبی محرومیت که از روش تجزیه و تحلیل خوشه‌ای استفاده شد، استان‌های کشور به لحاظ محرومیت در سه گروه محرومیت پایین، متوسط و بالا طبقه‌بندی شدند و به موجب این تحلیل، استان‌های با سطح محرومیت پایین بیشتر در نواحی میانی و مرکزی کشور متمرکز داشتند و این مناطق بیشترین جمعیت شهرنشین کشور را شامل می‌شوند و در مقابل مناطق سطح محرومیت متوسط، بیش در نواحی شرقی و غربی کشور بوده‌اند و این استان‌ها بیشترین جمعیت روستانشین کشور را دارند.

نتیجه‌گیری: سطح محرومیت مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری بیشتر بوده و این موضوع علی‌رغم برنامه‌ریزی که برای کاهش این سطح در برنامه‌های عمرانی و توسعه در کشورمان انجام شده، اما همچنان مؤفقت آمیز نبوده است.

کلیدواژه‌ها: نابرابری فضایی، محرومیت، سکونتگاه‌های شهری، سکونتگاه‌های روستایی

مقدمه

در مطالعات توسعه منطقه‌ای همواره بر این نظر که زیرساخت‌ها، شغل، مردم، ثروت و درآمد از لحاظ جغرافیایی در نظام سلسله‌مراتبی متمرکز هستند تأکید گشته (Liu, Dunford, Song, & Chen, 2016: 133) و از این رو همواره نظامی از سلسله‌مراتب برخوردار مناطق به لحاظ شاخص‌های توسعه در سطوح کلان، مورد تأکید بیشتر مطالعات بوده است. در کنار این موضوع، اما توسعه متعادل و هماهنگ مناطق، یک پیش نیاز بسیار مهم برای حصول پایداری اقتصادی و پیشرفت یکپارچه کشور به شمار می‌رود (Martić & Savić, 2001) و از همین رو دولت‌های ملی ضمن توجه فزاینده به مشکلات توسعه منطقه‌ای، ماهیت منحصر به فرد مسائل اقتصادی و محیطی و نتایج ناشی از آن را شناسایی می‌نمایند (Parham, 1996). سطح‌بندی توسعه، روشی برای سنجش توسعه مناطق است که اختلافات مکانی، فضایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق را نشان می‌دهد و وضعیت هر یک از مناطق را نسبت به یکدیگر از نظر سطح توسعه مشخص می‌کند. بدین ترتیب وجود مناطق توسعه نیافته و در حاشیه قرار داشتن مناطق، می‌تواند شامل تفاوت‌هایی به لحاظ دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، ثروت، درآمد، اشتغال، تحصیلات و حتی راه‌هایی برای مشارکت سیاسی باشد (Pike, Tomaney, & Rodriguez-Pose, 2016; Sadiki, 2019: 1) و در این میان تأکید بر توسعه محلی و منطقه‌ای می‌تواند یک شرط لازم و کافی برای توسعه بیشتر و توسعه توزیع ثروت و رفاه در شرایط اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بین مناطق باشد (Pike et al., 2016: 66).

در ادامه با توجه به اهمیت توسعه متعادل و هماهنگ مناطق و علی‌رغم این که در قالب سیاست‌های برنامه‌های پنج ساله توسعه، تلاش‌های زیادی برای تعدیل عدم تعادل‌های توسعه منطقه‌ای در کشور انجام شده است، اما توزیع نامتوازن امکانات، خدمات و فعالیت‌ها و وجود نابرابری‌ها و شکاف توسعه، هم در بین استان‌ها و هم در درون استان‌ها همواره به عنوان یکی از موضوعات مورد توجه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی-اقتصادی کشور مطرح بوده است. عمده مطالعات صورت گرفته در این حوزه نیز وجود تفاوت‌های جغرافیایی سطوح توسعه، روند افزایشی آن و پیامدهای نامطلوب آن را تأیید کرده‌اند (Klantari, 1998; Amirahmadi, 1986; Noorbakhsh, 2002; Sharbatgholei, 1999). بر همین اساس با توجه به سیاست عدالت اجتماعی، به عنوان هدف محوری برنامه‌های توسعه کشور، لازم است که وضعیت مناطق مختلف از نظر نحوه توزیع و میزان محرومیت آنان از شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی و ... بررسی و کمبودها و نارسایی‌ها برای برنامه‌های آینده توسعه، در نظر گرفته شود. در این میان همان‌طور که مشخص است، هرگونه تلاش برای توسعه هماهنگ و تدوین یک زیربنای علمی و منطقی برای سیاست‌گذاری توسعه، لازم است ارزیابی جامعی پیرامون وضعیت موجود توسعه و محرومیت مناطق از نظر شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی صورت پذیرد (Yu, Hou, Gao, & Shi, 2010) تا ماهیت و الگوی تفاوت‌های منطقه‌ای از بعد محیطی، اقتصادی و اجتماعی شناسایی شود (Arief, 1982). بدین ترتیب این تحقیق بر آن است تا به بررسی فضایی میزان محرومیت در مناطق کشور به لحاظ شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و محیطی بپردازد.

مفهوم فضا و مفاهیم مرتبط به آن، عمدتاً از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ میلادی، نخست در بین جغرافیدانان و بعضی اقتصاددانان (در ارتباط با مفهوم اقتصاد فضا) و سپس در بین سایر رشته‌های علمی مورد استفاده و بحث قرار گرفته است. امروزه در مباحث مرتبط با مطالعه سکونتگاهی و نیز برنامه‌ریزی توسعه نه تنها از فضا در قالب یک کلیت بلکه از برنامه‌ریزی فضایی، فضای شهری، فضای روستایی، فضای منطقه‌ای و مانند آن یاد می‌شود. در ارتباط با ادبیات فضا یکی از مفاهیم مرتبط به آن که امروزه بیشتر در کنار یکدیگر به کار می‌رود، مفهوم نابرابری است. نابرابری و وجوه مختلف آن در محدوده‌های جغرافیایی متفاوت در سال‌های اخیر مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران قرار گرفته و وجود و ابعاد یکی از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی است (علیزاده، ۱۳۹۰: ۱). مسئله نابرابری در بسیاری از کشورها چالشی اساسی در مسیر توسعه می‌باشد. این نابرابری‌ها، تهدید جدی برای حصول توسعه متعادل و متوازن مناطق است و دستیابی به وحدت و یکپارچگی ملی را دشوار می‌نماید (Shankar & Shah, 2003: 1423). مردمی که در مناطق

پیرامونی کشورها زندگی می‌کنند، معمولاً از کانون توجه برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های توسعه به دور هستند و همین امر سبب می‌شود، سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی آن‌ها تنزل یابد (Dawson, 2001: 790). در کشور ما نیز تفاوت‌ها و نابرابری‌های ناحیه‌ای با نرخ نگران‌کننده‌ای در حال افزایش بوده است و این وضعیت، به بروز مشکلات جدی نظیر مهاجرت از مناطق محروم به نواحی برخوردار و توسعه‌یافته‌تر منجر شده است (Noorbakhsh, 2002). گزارش توسعه انسانی در کشور (۱۹۹۹) به تبیین این تفاوت‌ها پرداخته و یکی از مهم‌ترین سیاست‌های توسعه انسانی را توجه به برنامه ریزی فضایی به عنوان یک برنامه بلندمدت برای تحقق عدالت اجتماعی و تعادل منطقه‌ای معرفی می‌کند (PBOIRI and UN, 1999).

سیاست‌های توسعه منطقه‌ای نقش مهمی را در تقویت فعالیت‌های اقتصادی و توسعه مناطق محروم و به دنبال آن، کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای ایفا می‌کند. تخصیص منطقه‌ای سرمایه‌گذاری‌های عمومی گامی در جهت کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و تحقق توسعه متعادل به شمار می‌رود (Matsumoto, 2008: 480-485). بر همین اساس هم‌گرایی در توسعه مناطق زمانی محقق خواهد شد که مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته با شتاب بیشتری نسبت به سایر مناطق، رشد و توسعه یابند. در غیر این صورت ادامه روندهای موجود با تمرکز توسعه اقتصادی در مناطق توسعه‌یافته، واگرایی و عدم تعادل ملی و منطقه‌ای را در پی خواهد داشت (Purohit, 2008). در ارتباط با نابرابری و توسعه منطقه‌ای، محرومیت یکی از جنبه‌های مطالعاتی آن است. محرومیت^۱ یکی از مفاهیم پیچیده است که تعاریف و تعبیر گوناگونی برای آن از سوی محققان با توجه به اهداف آنان ارائه شده و تعریفی از آن که مورد توافق همه باشد، وجود ندارد؛ زیرا که محرومیت مقوله‌ای کیفی، به شدت نسبی و حتی اغلب اوقات تلقی مردم از آن، ذهنی است (کلالی مقدم، ۱۳۷۸: ۲۳). از سوی دیگر ارتباط نزدیک محرومیت با مفاهیمی مانند: فقر، طرد اجتماعی و توسعه نیافتگی سبب شده است که بسیاری از محققان این مفاهیم را معادل یکدیگر به کار گیرند. با این حال ارائه یک تعریف واحد که مبنای تصمیم‌گیری برای تحقیق باشد، امری ضروری است؛ زیرا تعریف محرومیت تأثیر مستقیم بر روش‌های اندازه‌گیری و سیاست‌های توسعه‌ای معطوف به محرومیت‌زدایی خواهد داشت (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۰-۱۹). کمیته فرعی توسعه روستایی^۲ (۲۰۰۸)، محرومیت را به معنای نیازهای برآورده نشده و مشکلات ایجاد شده به وسیله کمبود منابع و فرصت‌ها (نه فقط پول) اشاره دارد. یا والش^۳ (۲۰۱۰)، محرومیت را فقدان ویژگی‌ها و خصصت‌های ضروری و مطلوب، مالکیت‌ها و فرصت‌هایی است که حداقل آن توسط جامعه مورد پذیرش است. در این میان یکی از تعاریفی که شاید بتوان گفت جامع‌ترین و در عین حال منعطف‌ترین تعریف در زمینه محرومیت است که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف کاربرد دارد. این تعریفی است که تاونسند^۴ (۱۹۸۷) در مقاله خود از محرومیت ارائه داده است. از نظر وی، مردمی را می‌توان محروم دانست که دسترسی کافی به غذا، لباس، امکانات مسکن، سوخت، محیط زیست مطلوب، آموزش و پرورش، کار و شرایط اجتماعی، فعالیت‌ها و امکانات معمول و یا حداقل مورد تأیید جامعه‌ای که به آن تعلق دارند را نداشته باشند (Townsend, 1987: 131-140).

۱ - Deprivation

۲ - Rural Development Sub-Committee

۳ - Walsh

۴ - Townsend

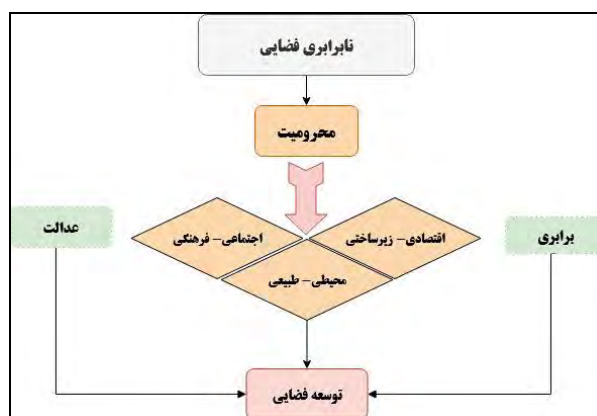
جدول ۱

مقایسه ویژگی‌های محرومیت شهری و روستایی

ویژگی‌های محرومیت روستایی	ویژگی‌های محرومیت شهری
<ul style="list-style-type: none"> تراکم و چگالی پایین توزیع و پراکندگی گسترده (محرومیت روستایی به صورت فضایی پراکنده است). سطح متوسط پایینی از محرومیت با نیازها درون طیف گسترده‌تری از تفاوت‌های درآمدی (ثروت) قرار گرفته‌اند. مناطق روستایی اغلب وابسته به پیرامون‌اند و بنابراین جمعیت روستایی به طور کلی نیازمند سفر برای دسترسی به طیف وسیعی از خدمات دارد. 	<ul style="list-style-type: none"> تراکم و چگالی بالا به شدت متمرکز سطح متوسط بالایی از محرومیت و نیاز درون طیف محدودتری از محرومیت مادی (درآمدی) قرار گرفته‌اند. دسترسی به حمل و نقل و مالکیت خودرو در شهر ممکن است یک کالای تجملی تلقی گردد.

Source: Hunt, 2007:18

در کشور ما ایران از آغاز برنامه‌ریزی ملی، همواره به جنبه‌های منطقه‌ای بودن توسعه و محرومیت‌زدایی مناطق توجه شده است. با این حال بسیاری از مطالعات مانند: زنگی آبادی و همکاران (۱۳۹۲)، صفری و بیات (۱۳۹۲)، مؤمنی و قهاری (۱۳۹۲)، حموزاد و همکاران (۱۳۹۲)، کلانتری (۱۹۹۸)، نابرابری و محرومیت میان مناطق در مقابل توسعه مناطق دیگر را تأیید می‌کنند. تحقیقات دیگری نیز وجود دارند که به سطح‌بندی توسعه منطقه‌ای در ایران می‌پردازند. تحقیق شریف زاده و عبدالله زاده (۱۳۹۱)، از این دست مطالعات است. برحسب نتایج آنان، استان تهران در گروه شاخص‌های اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی، استان خوزستان در گروه شاخص‌های اقتصادی و استان سمنان در گروه شاخص‌های زیرساختی و خدماتی بالاترین رتبه را دارا هستند و در کلیه موارد استان سیستان و بلوچستان پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص می‌دهد. همچنین نتایج رتبه‌بندی استان‌ها از نظر شاخص ترکیبی در تحقیق آنان نیز نشان داد که، استان‌های تهران، سمنان و اصفهان توسعه‌یافته‌ترین بودند و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و سیستان و بلوچستان از پایین‌ترین سطح توسعه در کشور برخوردار بودند. همچنین در ادامه آنان بیان می‌دارند که الگوی فضایی به دست آمده بر اساس شاخص ترکیبی کل توسعه، وجود ساختار مرکز-پیرامون را در توسعه اقتصادی فضایی ایران را تأیید می‌کند. همچنین در تحقیقات دیگر (Noorbakhsh, 2002)، به بررسی اختلافات منطقه‌ای به لحاظ توسعه در درون استان‌های کشور می‌پردازد و ضمن تأیید نابرابری بین مناطق، یک روش برای رفع اختلافات منطقه‌ای با توجه به شاخص‌های انتخاب شده پیشنهاد می‌کند. همچنین وی در تحقیق دیگر در سال ۲۰۰۵، میزان و پویایی نابرابری را در استان‌های کشور بررسی می‌کند. وی ضمن استدلال وجود همگرایی و شواهد تجربی در کشورهای توسعه یافته، وجود نابرابری و خوشه‌ای بودن و واگرایی استان‌های کشور را تأیید می‌کند (Noorbakhsh, 2005). بدین ترتیب همان‌طور که نیز بررسی پیشینه تحقیق نشان داد، نابرابری و عدم برخورداری یکسان و محرومیت میان مناطق کشور همواره مورد تأیید یافته‌های محققان بوده است. از همین رو با توجه به ضرورت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای توسعه مناطق که نیازمند شناخت همه جانبه از الگوی توسعه و محرومیت مناطق دارد این تحقیق به بررسی میزان محرومیت در مناطق کشور و توزیع جمعیت سکونتگاهی مناطق روستایی و شهری آن می‌پردازد.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

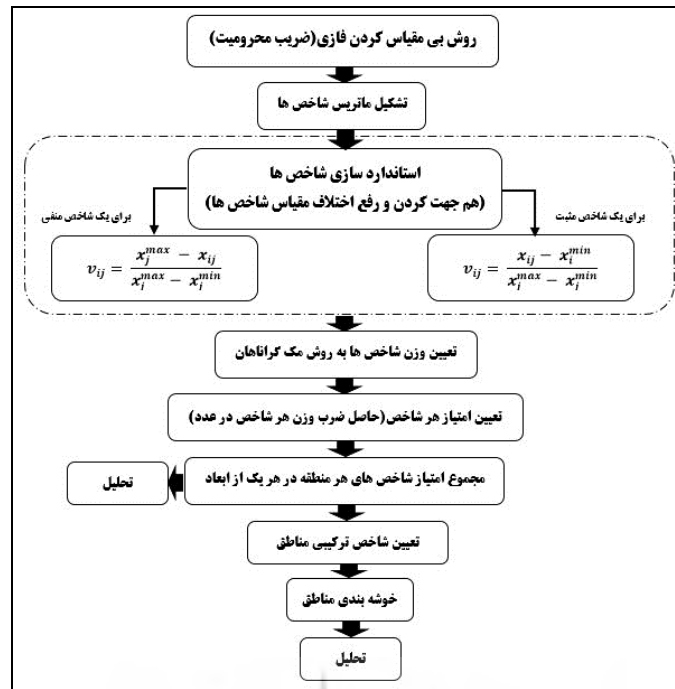
روش پژوهش

پهنه‌بندی مناطق بر حسب میزان توسعه‌یافتگی و محرومیت و میزان برخورداری اقتصادی- اجتماعی اغلب به عنوان یک مسئله تصمیم‌گیری چند شاخصه (MCDM^۱) مورد ملاحظه قرار می‌گیرد که برای مواجهه با آن روش‌های متنوعی وجود دارد (Martić & Savić, 2001: 346). با به کارگیری روش‌های MCDM (تقسیم کسری چند شاخصه) می‌توان جنبه‌های مختلف مورد مطالعه را به صورت همزمان و یکپارچه تحلیل نمود (Papadopoulos & Karagiannidis, 2008: 773-776). در این مدل‌ها، تصمیم‌گیرنده قصد دارد تا با توجه به هدف مورد نظر و همچنین با در نظر گرفتن شاخص‌ها و معیارهای مطالعه، بهترین گزینه را انتخاب نماید. این مدل‌ها که کاربردهای بسیار وسیعی در رتبه‌بندی دارند، به مدل‌های رتبه‌بندی نیز معروف‌اند. ارزیابی میزان محرومیت از طریق شاخص‌های منفرد یا مجموعه‌ای از شاخص‌های چندگانه و در محورهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی انجام می‌شود. در این میان همان‌طور که مطالعات نشان می‌دهد ارزیابی و بهره‌گرفتن از شاخص‌های منفرد تنها برای مقایسه نواحی کوچک درون یک کشور مناسب خواهد بود (Lipshitz & Raveh, 1998) و لذا این شاخص‌ها برای مقایسه مناطق در سطح گسترده مناسب نخواهند بود و این شاخص‌ها در مورد نحوه توزیع پارامترهای توسعه (McGillivray, 1991) و محرومیت از کارایی مناسبی برخوردار نخواهند بود. از همین رو در تحقیق حاضر به منظور بررسی میزان محرومیت در سکونتگاه‌های شهری و روستایی از مجموعه‌ای از شاخص‌های اقتصادی- زیربنایی، اجتماعی و زیست‌محیطی بهره‌گرفته شد، جدول (۱). بدین ترتیب با توجه به نوع شاخص‌های مورد بررسی، اطلاعات آماری آن از منابع اطلاعاتی و اسنادی سازمان‌ها و سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن جمع‌آوری^۲ ماتریس آن به صورت جداگانه در Excel تشکیل شد. در ادامه با توجه به این که شاخص‌های مورد بررسی بر حسب جهت، ارزش یکسانی نداشته‌اند و از آنجایی که شاخص‌های محرومیت در هریک از ابعاد محیطی، اجتماعی و اقتصادی از حیث مقیاس اندازه‌گیری مبنای واحدی نداشته‌اند، به روش بهنجارسازی فازی، نرمال‌سازی و در ادامه به منظور تحلیل مناسب تر و روشن‌تر شدن اهمیت هر یک از شاخص‌ها، اطلاعات هر یک از شاخص‌ها در SPSS به روش مک گراناهاون وزن دهی شدند و با احتساب وزن آن‌ها امتیاز هر شاخص در Excel محاسبه و با جمع امتیاز هر شاخص میزان محرومیت مناطق به دست آمد. شکل ۲ فرآیند بی‌مقیاس‌سازی به روش فازی و سطح‌بندی میزان محرومیت مناطق در تحقیق حاضر نشان داده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - Multiple Criteria Decision Making

۲ - این داده‌ها، عموماً با استفاده از مطالعه طرح بنیاد برکت در این زمینه فراهم شده است



شکل ۲. فرآیند بی مقیاس سازی به روش فازی و سطح بندی ضریب محرومیت مناطق (منبع: محققان)

جدول ۲

وزن شاخص های مورد مطالعه براساس روش مک گراناهاان (ضریب همبستگی)

وزن	اجتماعی - فرهنگی	وزن	اقتصادی - زیرساختی	وزن	محیطی - طبیعی
۰/۹۳۰۰	بعد خانوار	۰/۰۸۳۵	نرخ اشتغال	۰/۶۳۷۴	شدت فرسایش
۰/۹۵۸۹	نرخ رشد جمعیت	۰/۴۴۴۸	نرخ اشتغال زنان	۰/۶۶۸۹	قابلیت اراضی
۰/۹۸۵۰	نسبت جنسی	۰/۱۴۰۷	نرخ فعالیت	۰/۶۹۳۴	ارتفاع
۱/۰۱۰۸	تراکم جمعیت	۰/۱۶۴۳	بار تکفل شغلی (نفر به ازای هر نفر شاغل)	۰/۷۲۳۲	کلاس شیب
۱/۰۴۴۰	نسبت شهرنشینی	۰/۱۹۱۶	نسبت شاغلان بخش کشاورزی به کل شاغلان	۰/۷۴۶۲	میزان بارش
۱/۰۶۷۸	نرخ با سواد	۰/۲۲۲۳	نسبت شاغلان بخش صنعت به کل شاغلان	۰/۷۶۹۱	دما
۱/۰۹۸۱	نرخ با سواد زنان	۰/۲۴۳۳	نسبت شاغلان بخش خدمات به کل شاغلان	۰/۷۹۹۸	اقلیم
۱/۱۲۲۸	نسبت باسوادان با تحصیلات عالی به کل باسوادان	۰/۲۷۴۵	نسبت مساحت اراضی زراعی به کل مساحت بخش	۰/۸۲۷۱	منابع آب
۱/۱۴۶۵	نسبت مراکز بهداشتی درمانی و خانه بهداشت (۱۰۰۰ نفر)	۰/۳۰۲۳	نسبت مساحت اراضی زراعی آبی به کل اراضی زراعی	۰/۸۵۵۵	تعداد معدن
۱/۱۸۲۲	نسبت پزشک به جمعیت (۱۰۰۰ نفر)	۰/۳۲۵۱	نسبت مساحت اراضی زراعی دیم به کل اراضی زراعی	۰/۸۷۹۴	پتانسیل زلزله
۱/۲۰۴۲	نسبت مدرسه راهنمایی به تعداد روستا	۰/۳۵۸۸	نسبت مساحت اراضی باغی به کل اراضی	۰/۹۰۵۹	پتانسیل سیل
۱/۲۳۰۶	نسبت دبیرستان و هنرستان به تعداد روستا	۰/۳۹۳۰	سرانه دام سنگین خانوار		
۱/۲۵۸۸	نسبت کتابخانه و کانون پرورش فکری کودکان به تعداد روستا	۰/۴۱۹۵	سرانه دام سبک خانوار (راس)		
۱/۲۹۰۰	نسبت تاسیسات ورزشی به تعداد روستا	۰/۴۵۰۲	تراکم تراکتور در هر ۱۰۰ هکتار اراضی		
۱/۳۱۳۳	نسبت روستاهای بهره مند از آب	۰/۴۸۱۵	تراکم کمباین در هر ۱۰۰۰ هکتار اراضی		

اجتماعی- فرهنگی	وزن	اقتصادی- زیرساختی	وزن	محیطی- طبیعی	وزن
آشامیدنی سالم					
نسبت روستاهای بهره‌مند از دفتر پستی به تعداد روستا	۱/۳۳۷۲	نسبت شرکت تعاونی روستایی به تعداد روستا	۰/۵۰۲۷		
نسبت جمعیت تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی به کل جمعیت	۱/۳۶۱۱	نسبت روستاهای بهره‌مند از گاز به تعداد روستا	۰/۵۳۶۰		
نسبت روستاهای خالی از سکنه به کل روستاها	۰/۰۳۴۶	نسبت شعب بانک به ۱۰,۰۰۰ نفر جمعیت	۰/۵۵۴۰		
		فاصله مرکز بخش از مرکز شهرستان km	۰/۵۸۵۹		
		فاصله مرکز بخش از مرکز استان km	۰/۶۳۷۴		

قلمرو جغرافیایی پژوهش

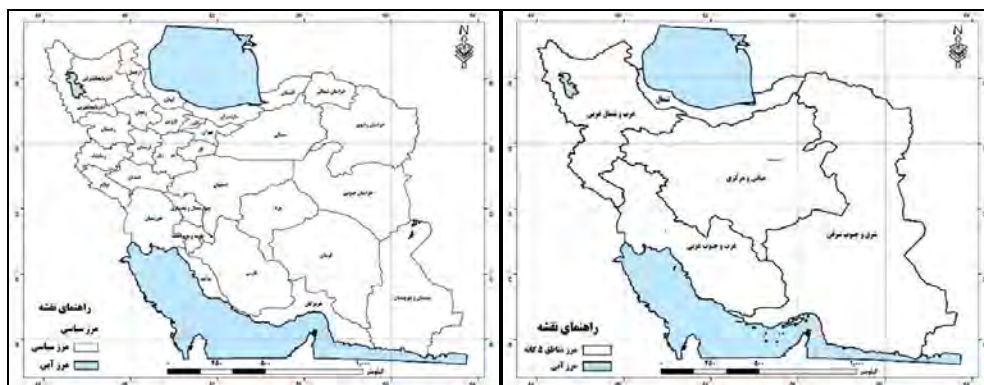
مطالعات ارزیابی و سنجش در سطوح مختلف نظیر سطح روستا، دهستان، بخش، شهرستان، استان و یا مناطق کلان دیگر انجام می‌گیرد. تعیین سطح مطالعه راه را برای انجام مراحل بعدی هموار کرده و مهم‌ترین عامل در تعیین سطح مطالعه، دسترسی به آمار و اطلاعات می‌باشد. قلمرو پژوهش در این تحقیق در یک سوی تحقیق مناطق ۵ گانه کشور بوده که بر حسب این سطح از مطالعه تمام مناطق کشور (استان‌های کشور) براساس پیوستگی جغرافیایی و پیوندهای فضایی و مکانی تقسیم‌بندی و به صورت جدول ۳، به ۵ منطقه، شمال، غرب و شمال غرب، میانی و مرکزی، جنوب و جنوب غربی و شرق و جنوب شرقی تقسیم شدند.

جدول ۳

مناطق و استان‌های کشور بر حسب تقسیمات سیاسی سال ۱۳۹۵

ردیف	مناطق	استان
۱	شمال	گیلان، مازندران، گلستان
۲	غرب و شمال غرب	آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، قزوین، زنجان، کرمانشاه، کردستان، ایلام
۳	میانی و مرکزی	اصفهان، چهارمحال بختیاری، یزد، تهران، البرز، قم، مرکزی، سمنان، همدان
۴	جنوب و جنوب غربی	فارس، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، لرستان
۵	شرق و جنوب شرقی	خراسان شمالی، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، کرمان، هرمزگان، سیستان بلوچستان

در سوی دیگر نیز سطوح و قلمرو مطالعه شامل تمام استان‌های کشور بوده که بر حسب آخرین تقسیمات سیاسی کشور در سال ۱۳۹۵، ۳۱ استان می‌باشد (شکل ۳).



شکل ۳. محدوده قلمرو پژوهش

یافته‌ها و بحث

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد برای پهنه‌بندی مناسب تر ضریب محرومیت در سکونتگاه‌های انسانی، تمام استان های کشور به ۵ منطقه جغرافیایی تقسیم شدند (جدول ۴).

جدول ۴

توزیع فضایی تعداد و جمعیت مناطق شهری و روستایی

مناطق	سکونتگاه‌های شهری			سکونتگاه‌های روستایی		
	شهر	فراوانی	جمعیت (نفر)	روستای	فراوانی	جمعیت (نفر)
شمال	۱۳۹	۱۱/۸	۴۴۹۵۸۷۹	۷۵۹۰	۷/۷۴	۳۱۸۵۵۴۳
غرب و شمال غرب	۲۶۲	۲۱/۰۸	۱۰۴۷۳۰۹۴	۱۷۸۵۴	۱۸/۲۱	۴۴۳۳۰۱۵
میانی و مرکزی	۳۱۷	۳۵/۵۰	۲۵۰۳۸۵۲۲	۱۵۳۰۹	۱۵/۶۱	۳۳۰۶۵۹۱
جنوب و جنوب غربی	۲۵۷	۲۰/۶۸	۹۳۲۴۲۰۴	۲۱۳۰۲	۲۱/۷۲	۳۸۴۷۳۵۱
شرق و جنوب شرقی	۲۶۸	۲۱/۵۶	۹۸۱۵۱۴۸	۳۶۰۰۱	۳۶/۷۱	۵۹۵۸۱۲۵
مجموع	۱۲۴۳	% ۱۰۰	۵۹۱۴۶۸۴۷	% ۱۰۰	۹۸۰۵۶	۲۰۷۳۰۶۲۵

همان‌طور که مشخص است، به لحاظ توزیع فضایی بیشترین تعداد نقاط سکونتگاه‌های شهری (۳۵/۵٪) در مناطق میانی و مرکزی متمرکز هستند و لذا مناطق میانی و مرکزی تعداد بالایی از جمعیت شهرنشین کشور را شامل می‌شوند. در مقابل بیشترین نقاط روستایی در مناطق شرقی و جنوب شرقی و جنوب شرقی پراکنده شده‌اند و این مناطق با ۲۴/۷۴٪ درصد بیشترین جمعیت روستایی را داشته است. همچنین به لحاظ مساحت بیشترین مساحت برای مناطق شرق و جنوب شرق بوده و کمترین آن نیز در مناطق شمالی کشور بوده است (جدول ۵).

جدول ۵

توزیع فضایی مساحت مناطق پنج‌گانه

ردیف	مناطق	مساحت (کیلومتر مربع)	درصد فراوانی
۱	غرب و شمال غرب	۲۱۱۲۴۷۸	۱۳/۵
۲	میانی و مرکزی	۳۷۲۵۴۱	۲۲/۹۳
۳	جنوب و جنوب غربی	۲۵۱۲۰۲	۱۵/۴۲
۴	شمال	۵۸۲۵۱	۳/۵۸
۵	شرق و جنوب شرقی	۷۳۳۲۹۰	۴۵/۰۲
	مجموع	۱۶۲۸۷۶۲	% ۱۰۰

جدول ۶

مقدار نهایی شاخص محرومیت اجتماعی- فرهنگی

ردیف	مناطق	محرومیت اجتماعی	رتبه	درصد جمعیت شهری	درصد جمعیت روستایی
۱	غرب و شمال غرب	۰/۳۷۹۷	۲	۲۱/۰۸	۲۱/۳۸
۲	میانی و مرکزی	۰/۳۹۷۰	۳	۲۵/۵۰	۱۵/۹۸
۳	جنوب و جنوب غربی	۰/۳۹۷۶	۴	۲۰/۶۸	۱۸/۵۶
۴	شمال	۰/۴۰۰۳	۵	۱۱/۱۸	۱۵/۳۷
۵	شرق و جنوب شرقی	۰/۳۷۲۵	۱	۲۱/۵۶	۲۸/۷۴
	مجموع	-	-	% ۱۰۰	% ۱۰۰

برای سنجش ضریب محرومیت اجتماعی- فرهنگی در مناطق کشور از ۱۸ شاخص اجتماعی- فرهنگی استفاده شد و اطلاعات حاصل از آن پس از جمع‌آوری، برای بی‌مقیاس‌سازی و وزن‌دهی و تعیین امتیاز نهایی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت و در نهایت میزان امتیاز نهایی محرومیت برای مناطق ۵ گانه کشور محاسبه گردید (جدول ۶).

همان طور که مشخص است به لحاظ جغرافیایی، بیشترین میزان محرومیت شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی در مناطق شرق و جنوب شرقی کشور بوده و این مناطق به لحاظ توزیع جمعیت بیشترین جمعیت و تعداد نقاط سکونتگاهی روستایی را داشته‌اند و از همین رو به لحاظ محرومیت اجتماعی، سکونتگاه‌های روستایی میزان محرومیت بیشتری نسبت به سکونتگاه‌های شهری که بیشترین تعداد و جمعیت آن‌ها در نواحی میانی و مرکزی بوده است داشته‌اند. در ادامه به منظور بررسی میزان محرومیت محیطی از ۱۱ شاخص محیطی بهره گرفته شد. نتایج ارزیابی میزان محرومیت همان طور که در جدول (۶)، مشخص است نشان می‌دهد که مناطق میانی و مرکزی کشور میزان محرومیت بیشتری نسبت به سایر مناطق دارند و این مناطق همان طور که توزیع فضایی جمعیت نشان داد، بیشترین نقاط و جمعیت سکونتگاهی شهری را داشته‌اند و در مقابل مناطق شرقی و جنوب شرقی کشور محرومیت کمتری داشته‌اند و این مناطق جمعیت سکونتگاهی روستایی بیشتری دارند. به عبارتی دیگر می‌توان گفت به لحاظ محرومیت محیطی، سکونتگاه‌های روستایی میزان محرومیت کمتری نسبت به سکونتگاه‌های شهری داشته‌اند.

جدول ۷

مقدار نهایی شاخص محرومیت محیطی

ردیف	مناطق	محرومیت محیطی	رتبه	درصد جمعیت شهری	درصد جمعیت روستایی
۱	غرب و شمال غرب	۰/۳۳۲۷	۴	۲۱/۰۸	۲۱/۳۸
۲	میانی و مرکزی	۰/۳۰۲۲	۱	۲۵/۵۰	۱۵/۹۸
۳	جنوب و جنوب غربی	۰/۳۳۰۲	۲	۲۰/۶۸	۱۸/۵۶
۴	شمال	۰/۳۳۰۵	۳	۱۱/۱۸	۱۵/۳۷
۵	شرق و جنوب شرقی	۰/۳۳۶۹	۵	۲۱/۵۶	۲۸/۷۴
	مجموع	-	-	% ۱۰۰	% ۱۰۰

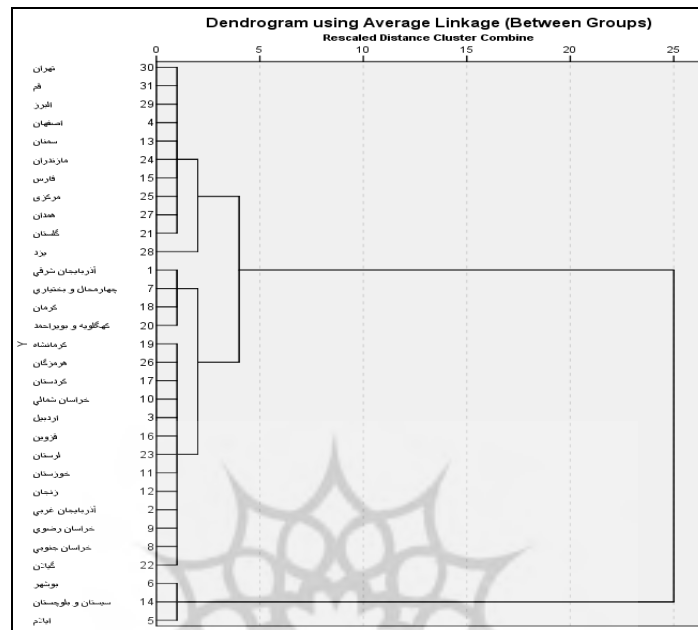
همچنین در این تحقیق برای سنجش ضریب محرومیت اقتصادی- زیرساختی، از ۲۰ شاخص بهره گرفته شد و نتایج و مقادیر نهایی میزان محرومیت مناطق در جدول ۷ نشان داده شده است. همان طور که مشخص است، به لحاظ میزان محرومیت اقتصادی- زیرساختی، مناطق شرق و جنوب شرقی بیشترین محرومیت دارند و در مقابل مناطق مرکزی و میانی کمترین محرومیت را داشته‌اند. بدین ترتیب با توجه به آن که مناطق شرقی و جنوب شرقی به لحاظ توزیع فضایی جمعیت، جمعیت روستایی بیشتری داشته‌اند لذا می‌توان گفت میزان محرومیت سکونتگاه‌های روستایی به لحاظ اقتصادی- زیرساختی نسبت به سکونتگاه‌های شهری بیشتر بوده است.

جدول ۸

مقدار نهایی شاخص اقتصادی و زیرساختی

ردیف	مناطق	محرومیت اقتصادی	رتبه	درصد جمعیت شهری	درصد جمعیت روستایی
۱	غرب و شمال غرب	۰/۱۰۳۶	۲	۲۱/۰۸	۲۱/۳۸
۲	میانی و مرکزی	۰/۱۱۴۰	۵	۲۵/۵۰	۱۵/۹۸
۳	جنوب و جنوب غربی	۰/۱۰۷۲	۳	۲۰/۶۸	۱۸/۵۶
۴	شمال	۰/۱۱۲۸	۴	۱۱/۱۸	۱۵/۳۷
۵	شرق و جنوب شرقی	۰/۱۰۱۵	۱	۲۱/۵۶	۲۸/۷۴
	مجموع	-	-	% ۱۰۰	% ۱۰۰

در ادامه برای طبقه‌بندی مناطق کشور، ابتدا شاخص ترکیبی، شاخص‌های مورد بررسی برای استان‌های کشور به دست آمد و در نهایت با استفاده از تکنیک تجزیه و تحلیل خوشه به طبقه‌بندی استان‌های کشور پرداخته شد (شکل ۳). همان طور که مشخص است، تمام استان‌های کشور به لحاظ شاخص ترکیبی محرومیت در سه طبقه، محرومیت پایین، متوسط و بالا طبقه‌بندی شدند.

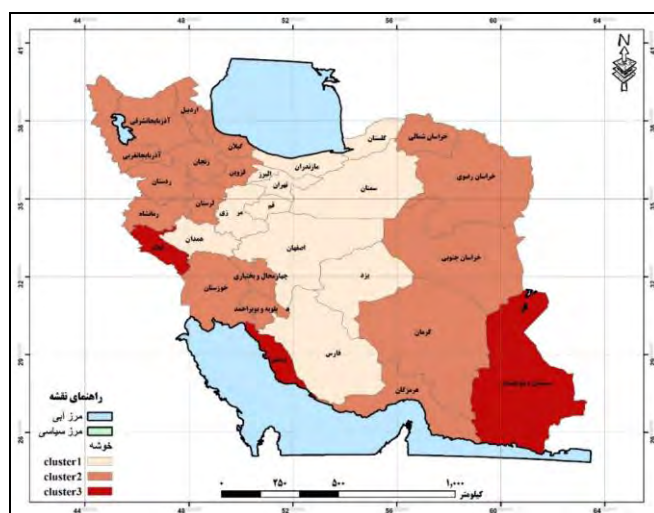


شکل ۴. نمودار درختی تجزیه و تحلیل خوشه‌ای استان‌های کشور

جدول ۹
طبقه‌بندی استان‌های کشور

خوشه	محرومیت	استان‌های کشور	مساحت	جمعیت شهری	جمعیت روستایی
اول	پایین	همدان - یزد - البرز - تهران - قم - مازندران - مرکزی - گلستان - سمنان - اصفهان - فارس	۳۲/۰۵	۵۱/۹۵	۳۲/۱۱
دوم	متوسط	آذربایجان شرقی - آذربایجان غربی - اردبیل - چهارمحال و بختیاری - خراسان جنوبی - خراسان رضوی - خراسان شمالی - خوزستان - زنجان - قزوین - کردستان - کرمان - کرمانشاه - کهگیلویه و بویراحمد - گیلان - لرستان - هرمزگان	۵۴/۱۶	۴۳/۷۰	۵۸/۵۴
سوم	بالا	ایلام - سیستان و بلوچستان - بوشهر	۱۳/۷۹	۴/۳۶	۹/۳۴
		جمع	% ۱۰۰	% ۱۰۰	% ۱۰۰

نتایج این بررسی نشان می‌دهد که، مناطق با سطح محرومیت پایین که بیشتر آن در نواحی و استان‌های میانی و مرکزی کشور متمرکز هستند میزان محرومیت پایین‌تری دارند این مناطق همچنین بیش از نیمی از جمعیت شهرنشین کشور را شامل می‌شوند. در مقابل مناطق سطح محرومیت متوسط بیشتر در نواحی شرقی و غربی کشور بوده‌اند و این مناطق همان طور که مشخص است بیشترین جمعیت روستانشین کشور را دارند. همچنین همان طور که در شکل ۴، نیز پهنه‌بندی فضایی شاخص ترکیبی محرومیت را در مناطق کشور نشان می‌دهد، استان‌های میانی و مرکزی کشور به لحاظ میزان محرومیت، محرومیت پایین‌تری داشته‌اند و تفاوت این استان‌ها به لحاظ محرومیت کمتر بوده است. در مقابل مناطق شرقی (به جز استان سیستان و بلوچستان) و غرب و شمال غرب کشور (به جز استان‌های بوشهر و ایلام) دارای میزان محرومیت متوسط بوده‌اند.



شکل ۵. طبقه‌بندی فضایی مناطق به روش تجزیه و تحلیل خوشه‌ای

نتیجه‌گیری

مسئله نابرابری درون ناحیه‌ای و بین ناحیه‌ای در بسیاری از کشورها چالشی اساسی در مسیر توسعه می‌باشد. این نابرابری یکی از مظاهر بارز کشورهای جهان سوم بوده و این نابرابری ناشی از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این کشورها می‌باشد. وجود نابرابری در بین مناطق منجر به برخورداری و توسعه نابرابر بین نواحی می‌شود و به موجب این امر، کیفیت زندگی مردم دستخوش نابرابری‌های عظیمی می‌گردد و در نهایت منجر به حرکت جمعیت و سرمایه به سمت قطب‌های پرجاذبه می‌شود. بدین ترتیب لزوم توجه به نابرابری مناطق به منظور تحقق عدالت و برابری توسعه از ضرورت‌های شناخت مناطق برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری توسعه بوده و لازم است ارزیابی جامعی پیرامون وضعیت موجود توسعه و محرومیت مناطق از نظر شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی صورت پذیرد. از همین رو این تحقیق بر آن بود تا میزان محرومیت سکونتگاه‌های انسانی (شهری- روستایی) و مناطق کشور را به لحاظ شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی- زیرساختی و محیطی بسنجد. برای سنجش محرومیت اجتماعی- فرهنگی از ۱۸ شاخص، برای سنجش محرومیت اقتصادی- زیرساختی از ۲۰ شاخص و برای سنجش محرومیت محیطی از ۱۱ شاخص بهره گرفته شد. در ادامه اطلاعات هر یک از این شاخص‌ها به صورت اسنادی و از منابع اطلاعاتی و آماری جمع آوری شد. و برای بی‌مقیاس‌سازی و وزن‌دهی (به روش مک گرانهان) و طبقه‌بندی مناطق از Excel و Spss استفاده شد. نتایج توزیع فضایی جمعیت در سکونتگاه‌های انسانی و در بین مناطق نشان داد که، مناطق میانی و مرکزی کشور به لحاظ تمرکز تعداد نقاط شهری، جمعیت شهری زیادی داشته است و در مقابل سکونتگاه‌های روستایی و جمعیت روستایی در مناطق شرق و جنوب شرقی کشور تمرکز داشته‌اند. همچنین به لحاظ محرومیت اجتماعی و اقتصادی- زیرساختی سکونتگاه‌های روستایی میزان محرومیت بیشتری نسبت به سکونتگاه‌های شهری داشته‌اند، و سکونتگاه‌های روستایی تنها به لحاظ شاخص محرومیت محیطی، نسبت به سکونتگاه‌های شهری محرومیت کمتری داشته‌اند. در ادامه برای طبقه‌بندی مناطق (استان‌های کشور) به لحاظ شاخص ترکیبی محرومیت، از تکنیک تجزیه و تحلیل خوشه‌ای استفاده شد به موجب این تحلیل تمام استان‌های کشور به لحاظ محرومیت در سه گروه محرومیت پایین، متوسط و بالا طبقه‌بندی شدند. نتایج این بررسی نشان داد، مناطق با سطح محرومیت پایین بیشتر در نواحی میانی و مرکزی کشور متمرکز هستند و این مناطق بیشترین جمعیت شهرنشین کشور را شامل می‌شوند و در مقابل مناطق سطح

محرومیت متوسط، بیشتر در نواحی شرقی و غربی کشور بوده‌اند و این مناطق بیشترین جمعیت روستانشین کشور را دارند.

منابع

- پورطاهری، مهدی؛ محمدی، ناهیده؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۹۳). ارزیابی و سنجش محرومیت در مناطق روستایی مورد: بخش مرکزی شهرستان جوانرود. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*. ۳(۳). ۴۰-۱۷.
- زنگی آبادی، علی؛ بهاری، عیسی؛ قادری، رضا. (۱۳۹۲). تحلیل فضایی و سطح بندی شاخص های بهداشتی- درمانی با استفاده از GIS (مطالعه موردی: شهرستان های استان آذربایجان شرقی). *تحقیقات جغرافیایی*. ۱۰۸، ۱۰۶-۷۲.
- شریف زاده، ابوالقاسم؛ عبدالله زاده، غلامحسین. (۱۳۹۱). سطح بندی توسعه منطقه‌ای در ایران (کاربرد رهیافت شاخص ترکیبی)، *مجله مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه‌ای*. ۴(۱۳). ۶۲-۴۱.
- صفری، رباب؛ بیات، مقصود. (۱۳۹۲). تعیین سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی استان آذربایجان شرقی با استفاده از تکنیک آماری تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای. *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*. ۱۳(۲۸). ۴۸-۳۱.
- علیزاده، سمانه. (۱۳۹۰). بررسی و تحلیل میزان توسعه یافتگی و نابرابری های فضایی در استان خراسان شمالی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- کمیته تحقیق و توسعه بنیاد برکت. (۱۳۹۶). *اطلس مناطق محروم کشور*. ۱-۲۵۴.
- کلالی مقدم، ژیلا. (۱۳۷۸). ارزیابی طرح های عمرانی اقتصادی- اجتماعی در توسعه مناطق محروم شهرستان تربت جام در برنامه اول توسعه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
- مؤمنی، مهدی؛ قهاری، غلامرضا. (۱۳۹۲). تحلیلی بر وضعیت توسعه یافتگی شهرستان های استان فارس. *برنامه ریزی منطقه‌ای*. ۳(۹). ۶۶-۵۳.

References

- Portaheri, M., Mohammadi, N., Rukn al-Din Eftekhari, A. R. (2015). Evaluation and assessment of deprivation in rural areas Case: Central part of Javanrood city. *Journal of Space Economics and Rural Development*. 3(3), 17- 40. (In Persian).
- Zangiabadi, A., Bahari, E., Qaderi, R. (2014). Spatial analysis and leveling of health indicators using GIS (Case study: Cities of East Azerbaijan province). *Geographical research*. 108, 72- 106. (In Persian).
- Sharifzadeh, A., Abdullah Zadeh, Gh. H. (2013). Leveling of Regional Development in Iran (Application of Combined Index Approach), *Journal of Urban and Regional Studies and Research*. 4(13), 41- 62. (In Persian).
- Safari, R., Bayat, M. (2014). Determining the levels of development of rural areas of East Azerbaijan province using statistical techniques of factor analysis and cluster analysis. *Applied research in geographical sciences*. 13(28), 31- 48. (In Persian).
- Alizadeh, S. (2012). *Study and analysis of development and spatial inequalities in North Khorasan province*. Master Thesis. Tarbiat Modares University. (In Persian).
- Barakat Foundation Research and Development Committee. (2018). *Atlas of Deprived Areas of the Country*. 1- 254. (In Persian).
- Kalali Moghaddam, J. (2000). *Evaluation of socio-economic development projects in the development of deprived areas of Torbat-e Jam city in the first development plan*. master thesis. Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian).
- Mo'meni, M., Gahari, G. (2014). An analysis of the development situation of the cities of Fars province. *Regional Planning*. 3(9), 66- 53. (In Persian).
- Amirahmadi, H. (1986). Regional planning in Iran: a survey of problems and policies. *The Journal of Developing Areas*. 20(4), 501-530.
- Arief, S. (1982). Regional disparities in Malaysia. *Social Indicators Research*, 11(3), 259-267.
- Dawson, J. I. (2001). Latvia's Russian minority: balancing the imperatives of regional development and environmental justice. *Political Geography*. 20(7), 787-815.

- Kalantari, K. (1998), Identification of backward region in Iran, Geographical research quarterly, No 48, Mashhad.
- Lipshitz, G., & Raveh, A. (1998). Socio-economic differences among localities: a new method of multivariate analysis. *Regional Studies*. 32(8), 747-757.
- Liu, W., Dunford, M., Song, Z., & Chen, M. (2016). Urban-rural integration drives regional economic growth in Chongqing, Western China. *Area Development and Policy*. 1(1), 132-154.
- Martić, M., & Savić, G. (2001). An application of DEA for comparative analysis and ranking of regions in Serbia with regards to social-economic development. *European Journal of Operational Research*. 132(2), 343-356.
- Matsumoto, M. (2008). Redistribution and regional development under tax competition. *Journal of Urban Economics*. 64(2), 480-487. e481 .
- McGillivray, M. (1991). The human development index: yet another redundant composite development indicator? *World Development*. 19(10), 1461-1468 .
- Noorbakhsh, F. (2002). Human development and regional disparities in Iran: A policy model. *Journal of International Development*. 14(7), 927-949.
- Noorbakhsh, F. (2005). Spatial inequality, polarization and its dimensions in Iran: New empirical evidence. *Oxford Development Studies*. 33(3-4), 473-491.
- Papadopoulos, A., & Karagiannidis, A. (2008). Application of the multi-criteria analysis method Electre III for the optimisation of decentralised energy systems. *Omega*, 36(5), 766-776.
- Parham S, Organization for Economic Co-operation and Development.(1996), Innovative Policies for Sustainable Urban Development, OECD Publishing.
- PBOIRI (Plan and Budget Organisation of the Islamic Republic of Iran) and United Nations, (1999), Human Development Report of the Islamic Republic of Iran 1999, Plan and Budget Organization of the Government of Iran and the United Nations, Tehran.
- Pike, A., Rodríguez-Pose, A., & Tomaney, J. (2016). *Local and regional development*. Routledge.
- Purohit, B. C. (2008). Health and human development at sub-state level in India. *The Journal of Socio-Economics*, 37(6), 2248-2260.
- Rural Development Sub-Committee,(2008). Poverty and Deprivation in Rural Wales.
- Sadiki, L. (2019). Regional Development in Tunisia: The Consequences of Multiple Marginalization .
- Shankar, R., & Shah, A. (2003). Bridging the economic divide within countries: A scorecard on the performance of regional policies in reducing regional income disparities. *World development*, 31(8), 1421-1441.
- Sharbatgholei, A. (1999). Urbanization and Regional Development in Post Revolutionary Iran: West view press, Oxford.
- Walsh, k.,(2010). Rural Poverty and Social Exclusion on the Island of Ireland –Context, Policies and Challenges.pobal. government supporting communities.
- Welsh Government., (2008). Welsh Index of Multiple Deprivation 2008: Summary Report.
- Yu, L., Hou, X., Gao, M., & Shi, P. (2010). Assessment of coastal zone sustainable development: A case study of Yantai, China. *Ecological Indicators*, 10(6), 1218-1225.

How to Cite:

Nasire Zare, S., & Riahei, V. (2022). Spatial zoning of deprivation coefficient (urban-rural) in the provinces of the country. *Geographical Engineering of Territory*, 6(2), 247-259.

ارجاع به این مقاله:

نصیری زارع، سعید و ریاحی، وحید. (۱۴۰۱). پهنه‌بندی فضایی ضریب محرومیت (شهری- روستایی) در استان‌های کشور. *مهندسی جغرافیایی سرزمین*، ۶(۲)، ۲۴۷-۲۵۹.